مردمانی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و گفتند: مردانی را با ما بفرست تا به ما قرآن و سنت بیاموزند. رسول الله صلی الله علیه وسلم هفتاد مرد از انصار را نزدشان فرستاد که به آنان «قُرّاء» (قاریان) گفته می شد و دایی ام حرام نیز با آنان بود.

از انس رضی الله عنه روایت است که می گوید: مردمانی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و گفتند: مردانی را با ما بفرست تا به ما قرآن و سنت بیاموزند. رسول الله صلی الله علیه وسلم هفتاد مرد از انصار را نزدشان فرستاد که به آنان «قُرّاء» (قاریان) گفته می شد و دایی ام حرام نیز با آنان بود. اینها قرآن می خواندند و شب ها آن را با هم تکرار می کردند و روز، آب به مسجد می آوردند و با جمع آوری و فروشِ هیزم برای اهل صُفه و دیگر فقیران غذا می خریدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را فرستاد اما پیش از اینکه به مقصد برسند، کافران [بنی عامر] به آنان حمله کردند و همه ی آنها را کُشتند. - ایشان در آستانه ی مرگ - گفتند: «یا الله، از طرف ما به پیامبرمان برسان که ما به دیدار تو آمدیم و از تو خشنود گشتیم و تو نیز از ما خشنودی شدی». یکی از کافران، از پُشت سر به حرام، دایِی انس حمله کرد و او را با نیزه کُشت. در آن هنگام حرام رضی الله عنه گفت: «سوگند به پروردگار کعبه که رستگار شدم». رسول الله صلی الله علیه وسلم - در مدینه - فرمود: «إِنَّ إِخْوَانَكُمْ قَدْ قُتِلُوا وَإِنَّهُمْ قَالُوا: اللَّهُمَّ بَلِّغْ عَنَّا نَبِيَّنَا أَنَّا قَدْ لَقِينَاكَ فَرَضِينَا عَنْكَ وَرَضِيتَ عَنَّا»: «برادران تان کشته شدند، درحالی که می گفتند: یا الله، از طرف ما به پیامبرمان برسان که ما به دیدار تو آمدیم و از تو خشنود گشتیم و تو نیز از ما خشنودی شدی».

[صحیح است] [متفق علیه]

گروهی از قبایل عرب نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و چنین وانمود کردند که اسلام آورده اند و از رسول الله صلی الله علیه وسلم خواستند تا کسانی را برای آموختن قرآن به ایشان، با آنان همراه کند؛ این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم هفتاد مرد که به آنها قراء یا قاریان گفته می شد، با آنان فرستاد؛ از این جهت به آنها قراء گفته می شد که اُنس زیادی با قرآن داشتند و زیاد قرآن می خواندند اما این مساله آنها را از کسب و کار باز نمی داشت؛ به همین دلیل است که انس رضی الله عنه می گوید: «و روزانه آب به مسجد می آوردند و با جمع آوری و فروشِ هیزم برای اهل صُفه و سایر فقیران غذا می خریدند». یعنی در روز آب تهیه می کردند و به مسجد می آوردند و آن را برای طهارت یا نوشیدن و در سایر موارد وقف می کردند. و هیزم جمع می کردند و می فروختند و با بهای آن غذا خریده و به فقرا از جمله اهل صفه صدقه می دادند. اصحاب صفه فقرای غریبی بودند که به مسجد نبوی پناه آورده و در آخر مسجد و در مکانی جدای از مسجد صفه ای (سایبانی) داشتند که از سایه ی آن استفاده کرده و شب را به صبح می رساندند. به هر حال رسول الله صلی الله علیه وسلم قاریان را به همراه آنها فرستاد که چون در بئر معونه توقف کردند – مکانی قبل از اینکه به مقصد برسند و منزل ابی براء ابن مُلَاعِبِ الْأَسِنَّةِ می باشد – عامر بن طفیل به همراه مردانی به آنها حمله کرد و آنان را کشت؛ قاریان در آستانه ی مرگ گفتند: «یا الله، از طرف ما به پیامبرمان برسان که ما به دیدار تو آمدیم و از تو خشنود گشتیم و تو نیز از ما خشنودی شدی». و در روایتی آمده است: «أَلا بَلِّغُوا قَوْمَنَا أَنا قَدْ لَقِينَا رَبَّنَا فَرَضِيَ عَنَّا وَأَرْضَانَا»: «به قوم ما بگویید: ما به لقای پرودگارمان نایل آمدیم. خداوند از ما خشنود شد و ما را نیز خشنود گردانید». چنین بود که جبریل علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داد که: «آنها به دیدار پروردگارشان شتافتند و الله متعال از آنها راضی گشت و آنان را راضی گرداند». چنانکه در روایت بخاری آمده است. و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «برادران تان کشته شدند، درحالی که می گفتند: یا الله، از طرف ما به پیامبرمان برسان که ما به دیدار تو آمدیم و از تو خشنود

گشتیم و تو نیز از ما خشنودی شدی». یعنی الله متعال به سبب اطاعت شان از آنها راضی گشت و آنان به سبب پذیرایی الله متعال و خیرات و برکات و نعماتی که به ایشان عطا نمود، از الله متعال راضی گشتند؛ و رضایت الله متعال سراسر خیر و احسان و رحمت است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3597